



همبستگی هفتگی ۶

۱۵ تیر ۱۳۸۰

۶ ژوئیه ۲۰۰۱

www.hambastegi.org

نشریه هفتگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

۱۸ تیر، ما در خیابان خواهیم بود!

برای خلاصی از این همه جنایت، سرکوب، خفقان و فقر و تهیدستی تنها و تنها سرنگونی این رژیم است. همبستگی شما را به شرکت فعال در تظاهرات و اعتراض به مناسبت ۱۸ تیر و در همه میتینگهای فدراسیون و حزب کمونیست کارگری ایران فرامیخواند.

صدای اعتراض مردم در این روز دیوارهای اختناق را خواهد شکست در همه جا طنین خواهد افکند و صدای ما در خارج کشور در میان صدای مردم در داخل، جنبش عظیم تری را در مقابل این حکومت قرار خواهد داد.

مردم از پای ننشستند، از خاتمی و دوم خرداد عبور کردند، روشن تر از گذشته در پیش چشم همگان حقیقت عریان شد. این مردم را کسی نتوانست به خانه بفرستد.

در سالگرد ۱۸ تیر، شما که خود بسیاری فعالین این جنبش عظیم بوده و فراری شده اید، در سالگرد ۱۸ تیر شما که خود قربانی وجود سرکوب و خفقان و زندان بوده گریخته اید، جایتان در صف اول اعتراض و تداوم راه ۱۸ تیر است. این روز باید در خیابانها بود. جمهوری اسلامی را باید سرنگون کرد. چه در ایران و چه در خارج کشور، راه مردم

مردم ما بیدارند از هر دو جناح بیزارند، که زندانی سیاسی آزاد باید گردد، که زنده باد آزادی و مرگ بر دیکتاتور!

۱۸ تیر دو سال قبل هزاران هزار تن از مردم به خیابانها آمده خشم نفرت و بیزاری خود را از این حکومت به او ابلاغ کردند. ۲ سال قبل جنبش برحق مردم از همین حکومت، از رئیس دولتش تا ولی فقیه، از انصارش تا لباس شخصی های دوم خردادیش، از رئیس اداره زندانهایش تا مسئولین روزنامه های دوم خردادی چیزی جز سرکوب و خشونت، سرزنش و ملامت و تلاش برای سرکوب تحویل نگرفت.



مهرنوش موسوی

دوستان پناهنده!
چند روزی به ۱۸ تیر سالگرد ۶ روزی که جمهوری اسلامی به لرزه افتاد نمانده است. ۱۸ تیر روز اعتراض است، روز یاد آوری مردمی است که با شعارهای رسا به خیابان آمدند، روز تداوم پیام جوانان، دانشجویان، کمونیستها و زنانی است که صدایشان در خیابانهای اطراف دانشگاه تهران، در شیراز و در تبریز طنین انداخت که ما این حکومت را نمیخواهیم،

همبستگی هفتگی

جمعه ها منتشر میشود

سردبیر: مهرنوش موسوی

دستیار سردبیر: امیر توکلی

تلفن: 00 49 1757 402 582

فکس: 00 358 631 542 53

mehrnousch@aol.com

tavakoli@hotmail.com

صدای همبستگی

شنبه ها در

رادیو انترنسیونال

۲۵ متر

۱۱۶۳۵ کیلوهرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب

به

فدراسیون سراسری

پناهندگان

کمک مالی

کنید!

همبستگی هفتگی

را تکثیر

و پخش

کنید!

کمپین اعتراضی پر قدرت

پناهندگان در شمال عراق

همچنان ادامه دارد!

صفحه ۲

من حق دارم اقامت بگیرم

چون یک زن هستم!

صفحه ۲



۱۸ تیر ۱۳۷۸ آغاز جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی

به حمایت از اعتراض بیش

از ۵۰۰ نفر پناهجوی ایرانی و

عراقی در ترکیه پیایزید!

صفحه ۳

چرا من سیاه کار میکنم!

صفحه ۴

اخبار کمپین های

اعتراضی در آلمان!

صفحه ۳

نامه سرگشاده مریم نمازی به پناهجویان متحصن در کردستان عراق!

دوستان عزیز!

از طرف همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی دست تک تک شما را به گرمی می فشارم و خسته نباشید می گویم. اعتراض و مبارزه شما به شرایط غیر انسانی که در آن بسر میبرید، اعتراض و مبارزه ما در فدراسیون سراسری پناهندگان است. ما مدافع تمامی خواستهای به حق شما هستیم. شما تنها نیستید. ما صدای اعتراضتان را به گوش مردم و مدافعان حقوق انسانی در سراسر جهان میرسانیم. ما تلاش میکنیم تا تحصن شما ایزاری باشد برای فشار به سازمان ملل و وادار کردنشان به گردن نهادن به خواستهای شما پناهجویان متحصن. تداوم و پیگیری مبارزه تان و کمپین بین المللی ما در حمایت از

خواستها و مبارزه شما، قطعاً در بهبود وضعیت تان موثر خواهد افتاد. این مبارزات باید بتواند رنج و اندوه، انتظار و بلاتکلیفی را از سیمای تک تک کودکان پناهنده مجبوس در

کردستان عراق و فرد فرد شما عزیزان دور کند.

با این امید و با امید پیروزی نهایی در مبارزاتمان!

مریم نمازی دبیر همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان

ایرانی ۴ ژوئیه ۲۰۰۱، ۱۳ تیر ۱۳۸۰

مرگ بر جمهوری اسلامی!



کمپین اعتراضی پر قدرت پناهندگان در شمال عراق همچنان ادامه دارد!

پناهندگان ایرانی در شهر اربیل عراق را اغلب فعالین سیاسی اپوزیسیون ایران تشکیل میدهند که بر علیه جمهوری اسلامی فعالیت داشته اند. آنها رسماً پناهنده سیاسی اند و وابسته به دفتر سازمان ملل در شهر اربیل هستند. اما این سازمان هیچوقت فکری برای وضع زندگی پناهندگان نکرده است. اغلب پناهندگانی که در عراق هستند از طریق فامیل و دوستانشان در ایران و یا در کشورهای دیگر تامین میشوند. البته اگر کسی را آنجا داشته باشند هیچگاه یو ان و یا حکومت کردی منطقه کمک مالی به پناهندگان نکرده است. از طرف دیگر پناهندگان امنیت جانی ندارند. جمهوری اسلامی همیشه در فکر نابودی آنها است و نمیتوانند مثل شهروندان عادی جامعه شغل آزاد انتخاب کنند و یا به هر جا که مایل هستند مسافرت کنند. به دلیل همین ناامنی خودشان را به سازمان ملل معرفی کرده اند تا در مقابل فعالیتهای تروریستی جمهوری اسلامی حمایت شوند. اما متأسفانه یو ان هیچ مسئولیتی در قبال آنها نشان نمیدهد و اگر مساله ای هم برای پناهندگان پیش آمده باشد نظاره گر بوده است. کسانی بوده اند که قبولی یو ان را داشته اند و بعد از مدتی بدست جمهوری اسلامی ترور شده اند و یا ربوده شده اند. سازمان ملل در این موارد آشکارا تروریستی هیچ عکس العملی از خود نشان نداده و یا این وقایع را به ارگان بالاتری گزارش نکرده است. مواقعی بوده که تروریستهای جمهوری اسلامی دستگیر شده اند اما یو ان هیچ علاقه ای برای مداخله در این مساله از خود نشان نداده است. تاکنون بیش از ۳۰۰ نفر از فعالین اپوزیسیون در کردستان عراق ترور شده اند و تعداد نامعلومی ربوده گشته اند و در سایه‌چالهای جمهوری اسلامی زندانی اند.

به دلیل تحریم هایی که هم دولت عراق به کردستان اعمال کرده و هم تحریم هایی که سازمان ملل برای عراق وضع کرده، زندگی مردم با مخاطره جدی مواجه شده است. فقر، کمبود دارو، نبود مایحتاج ابتدایی برای زندگی و بی آیندگی زندگی مشقت باری را به مردم تحمیل کرده است. در این میان پناهندگان ایرانی انسانهای درجه دوم جامعه هم به حساب نمیآیند». کار هم پیدا نمیشود. اگر هم کاری باشد با دستمزدی بسیار کمتر از کارگر بومی است. گاهی با دستمزد بسیار کم هم کارفرما حاضر به دادن کار به پناهندگان نشده است. پناهندگان مجبورند برای امرار معاش با هر دستمزدی کار کنند اما اغلب همین کار هم وجود ندارد.

زن پناهنده ای میگوید «سه سال و نیم است که همراه با بچه هایم در اینجا پناهنده هستم. در این مدت نتوانستم کاری برای فرزندانم بکنم. در اتاقی زندگی میکنیم که جای حیوانات بوده. حیوانات را به جای دیگری بردند و من آنجا را تمیز کردم و جایگزین شدم. نه در دارد و نه پنجره. هیچ چیزی نداریم. از نظر امنیتی خانواده ها در خطرند، خانواده من هم در خطر است. یکی مثل من که ۴ دختر دارم و همگی آنها جوان هستند مجبورم هر روز تنهایشان بگذارم و با دستمزدی روزی ۳ دینار کار کنم. اگر به هر کدام

دیناری بدهم باز یک دینار کم میآورم»

یو ان تا به حال هیچ جوابی به پناهندگان نداده است. مصاحبه ها را متوقف کرده اند. بعضی ها حتی قبولی کشور ثالث را دارند فقط تاریخ پرواز را ندارند، آنها نیز منتظر هستند میگویند که راه مسدود است. اما در کل این کم کاری یو ان را میرساند.

در چنین اوضاعی است که بیش از ۷۰۰ پناهنده ایرانی در مقابل دفتر سازمان ملل در شهر اربیل در شمال عراق متحصن شده اند و خواهان رسیدگی به وضع خود هستند. همبستگی تا کنون هم در محل در شهر اربیل و هم در سراسر دنیا، به حمایت از متحصنین اقداماتی را در دستور گذاشته است، فعالین فدراسیون موفق شدند در محل یک طومار وسیع و بزرگ از اهالی شهر اربیل در حمایت از خواستهای خود جمع کنند، این کمپین همچنان ادامه دارد. مهمترین خواستهای پناهندگان عبارتند از: انتقال سریع پناهندگان به کشور سوم، بهبود وضعیت زیستی و معیشتی پناهندگان تا زمان اعزام به کشور سوم و تسریع در انجام مصاحبه های مورد نیاز برای انتقال آنان.

پناهندگان متحصن در شهر اربیل به کمکهای مادی و معنوی شما نیازمندند. شما میتوانید از طریق ای میل ها و شماره فاکسهای زیر اعتراض خود را از بی مسئولیتی یو ان در شهر اربیل عراق به گوش مسئولین سازمان ملل برسانید و از طرف دیگر از خواستهای پناهندگان پشتیبانی کنید. در ضمن پناهندگان متحصن احتیاج فوری به کمکهای مالی شما دارند. کمکهای مالیتان را میتوانید به این شماره حساب فدراسیون در آلمان واریز کنید. شماره حساب بانکی

Account inhaber: Hambastegi

Account nr: 8024500

Bank: BankFur Sozialwirtschaft Köln

BLZ: 37020500

فاکس یوان 0087 3175 4271

0042 2273 97353

irqba@unhcr.ch

unhcr-erbil@un.org

hqpr00@unhcr.ch

بوسیله حاکم شرع بمن پیشنهاد صیغه شد و با ابراز خشم و انزجار و اعتراض من مواجه شدند و به جرم اعتراض به جرم زیاده خواهی به جرم زن بودنم مورد اتهام قرار گرفت. دیگر تاب و تحمل آن محیط را نداشتم و با توجه به اینکه سن زیادی ندارم با خود گفتم که باید خودم و دخترم را نجات دهم و نگذارم که او را هم مثل من مجبور کنند تا در سنین بالا تر از زن بودن خودش در آینده احساس شرم کند. با هر فلاکتی که بود

من حق دارم اقامت بگیرم چون یک زن هستم!

فرحناز عسکری
از برمن آلمان

من بعد از هزار فلاکت و بدبختی که در بین راه کشیده بودم و از دست آن جامعه که حکومتی وحشی و ضد انسانی بر آن حاکم است خود را خلاص کرده بودم به خارج کشور گریختم و به آلمان آمدم. من از بابت این فرار تمام دار و ندارم و زندگی را فروخته و بعلاوه مقدار زیادی قرض گرفته بودم تا بتوانم خود را از جهنم اسلامی نجات دهم.

با خوش خیسالی نفس راحتی کشیدم، خوشحال بودم که خود و فرزندم را از زیر شر حکومتی تحمیلی و فاسد که بودن و ماندنش اجبار و تحمیل است نجات دهم، رژیمی که برای سر پا ماندنش از عقب مانده ترین اعتقادات ضد بشری استفاده میکند. حمله به یکی از بی دفاع ترین اقشار آن جامعه یعنی زنان را بیست سال است سازمان داده است.

تا وقتی که در ایران بودم با تمام وجودم به هر نحوی و با هر حرکتی و هر حرفی و هر کاری عناد و ضدیت خودم را به عنوان یک زن، یک انسان به جانیان جمهوری اسلامی نشان دهم و به همین دلیل هم بارها و به عناوین مختلف به جرم بد حجابی، شایعه پراکنی و غیره صابونشان به تنم خورد. خصوصاً زمانی که در هنگام جدائی از شوهرم در دادگاه

رویدادهای مهم پناهندگی هفته

به حمایت از اعتراض پیش از ۵۰۰ نفر پناهجوی ایرانی و عراقی در ترکیه بپا خیزید!

اخبار کمپین های اعتراضی در آلمان!

جیره بندی مواد غذایی: روز

دوشنبه این هفته در شهر مانهایم آلمان دهها تن از پناهجویان از کشورهای مختلف در مقابل دفتر اداره سوسیال جمع کرده و علیه پرداخت جنسی کمک اجتماعی به پناهندگان دست به اعتراض و تظاهرات زدند. در این تظاهرات اعتراضی مهنوش موسوی، علیرضا جمالی و الهه رحیمی با مقامات اداره سوسیال به گفتگو نشسته و خواستار برچیده شدن این سیستم سراپا راسیستی و غیر انسانی شدند. در جمع تظاهر کنندگان مقامات اداره سوسیال به تظاهر کنندگان قول دادند که در دیدار مستقیم در کمپ پناهندگی پناهجویان که بیش از ۴۰۰ نفر را شامل میشود در روز چهارشنبه به بحث خواهند نشست.

در ادامه این کمپین و به فراخوان همبستگی روز چهارشنبه در یک مجمع عمومی وسیع با شرکت نمایندگان پناهجویان ایرانی، کرد، ترکیه، ازتریا، یوگسلاوی و مردم ساکن در این کمپ با چهار تن از مقامات مسئول این اداره به مذاکره نشست و طومار

صدها نفری حمایت از این اعتراض را تسلیم کردند. در این مجمع عمومی به مقامات اداره سوسیال علاوه بر برشمردن موارد بی حقوقی پناهجویان در برخورد این اداره، همچنین هشدار داده شد که در صورت برنچیدن بساط پرداخت وجه جنسی به جای نقدی و رعایت حقوق انسانی پناهجویان، دامنه این اعتراض به شکایت قانونی و همچنین افشاری و ادامه تظاهرات منجر خواهد شد. در این نشست مقامات اداره سوسیال تقریباً به اغلب خواستههای همبستگی و نمایندگان پناهجویان گردن گذاشتند.



تظاهرات علیه اخراج: روز ۱۵

ماه جون به فراخوان همبستگی، تظاهراتی در مقابل دادگاه گلزن کیشن برگزار شد. این تظاهرات در اعتراض به احکام راسیستی این دادگاه در اخراج و دیپورت پناهجویان ایرانی بود. در این تظاهرات تعداد زیادی از پناهجویان شرکت داشتند. در مسیر تظاهرات شعارهای و سخنان تظاهر کنندگان مورد استقبال مردم قرار گرفت.

در این آکسیون اعتراضی، نسرین رمضانعلی، دبیر فدراسیون در آلمان، با معاون مسئول دادگاه وارد مذاکره شد. در این نشست، دبیر فدراسیون ضمن توضیحاتی در باره شرایط و اوضاع سیاسی در ایران، همچنین مدارک و اسنادی را مبنی بر وجود خفقان و سرکوب و زندان تسلیم مقامات مسئول دادگاه کرد.

کمپین اخیر همبستگی و همچنین کمپینها و تظاهراتی اخیر فدراسیون در آلمان مورد توجه بسیاری از مطبوعات و رادیو و تلویزیون سراسری قرار گرفته است.

مذاکره با مقامات حزب

سوسیال دمکرات: روز ۱۲ جون به دعوت یکی از نمایندگان حزب سوسیال دمکرات آلمان هیاتی از سوی فدراسیون متشکل از نسرین رمضانعلی، بهرام نظری نیا، آمنه زارع و مینا مخبل دوران، به نشست پرداخته و راجع به وضعیت حکومت در ایران دلایل فرار پناهجویان، سیاستهای راست دولت آلمان در برخورد به پناهجویان و رابطه سیاسی دولتهای آلمان و ایران به ابراز نظر و نقد و اعتراض پرداختند.

در پایان این گفتگو نماینده حزب سوسیال دمکرات به هیئت منتخب فدراسیون قول داد که تمام تلاش خود را برای جلوگیری از اخراج پناهندگان به کار خواهد گرفت.

کمپین اعتراضی وسیع علیه

مصاحبه پرونده پناهجو بسته میشود، بازگشایی و بررسی تمامی پرونده های بسته شده، مسئول بودن در قبال امنیت پناهجویان، جلوگیری از دیپورت و تحویل گرفتن سریع پناهنده از دست پلیس، تقبل کردن پرداخت هزینه اقامت (کیم لیک) به پلیس، برسمیت شناختن نمایندگان پناهجویان و فدراسیون و داشتن ملاقاتهای منظم هر ده روز و اهمیت دادن به کیسهای ستم جنسی از جمله به زنان.

ما همه انسانهای آزادیخواه را فرا میخوانیم که از خواستههای پناهجویان در ترکیه دفاع کنند. شما از طریق شماره فاکسهای زیر میتوانید نامه های حمایتی خود را به دفاتر سازمان ملل در ترکیه ارسال دارید. کمک های مالی خود به این کمپین را به این شماره میتوانید ارسال کنید.

شماره حساب بانکی

در مقابل درب خروجی باعث شدند رئیس سازمان ملل در ترکیه و هیئت همراهش چندین ساعت در ساختمان حبس شوند و مانع رفتن آنها به فرودگاه شدند. سرانجام مقامات سازمان ملل از نیروی پلیس در خواست کمک کردند. پلیس با استفاده از خشونت سرانجام وی را فراری داد. پلیس چندین نفر از فعالین فدراسیون و سازماندهندگان اعتراض را برای مدت کوتاهی بازداشت کرد. چندین خبرنگار از روزنامه های مختلف در محل حضور داشتند و با پناهجویان معترض مصاحبه انجام دادند. مهمترین خواستههای پناهجویان از این قرار بود: به رسمیت شناختن پناهندگی کلیه پناهجویان از بدو ورودشان و دادن تسهیلات پزشکی، بهداشتی و مالی به آنان، کوتاه کردن زمان بررسی پرونده ها، بیشتر شدن تعداد مصاحبه ها با پناهجویان، هم اکنون با یک

روز سه شنبه، بیش از پانصد پناهجوی ایرانی و عراقی در اعتراض به وضعیت خود در مقابل دفتر سازمان ملل در شهر وان ترکیه تجمع کردند. تجمع اعتراضی پناهجویان زمانی شروع شد که پناهجویان شنیدند، رئیس سازمان ملل در ترکیه همراه با هیئتی به دفتر یو ان در وان آمده است. پناهجویان با تجمع وسیع خود خواهان حضور او در مقابل درب دفتر شدند تا در باره وضعیت نابسامان خود از او بازخواست کنند. دفتر سازمان ملل این خواست پناهجویان را نپذیرفت. اعتراضات شدت گرفت و پناهجویان با تهیه قطعنامه ای و انتخاب یک هیئت پنج نفره نمایندگی خواهان آن شدند که با رئیس سازمان ملل در ترکیه ملاقات کنند. دفتر سازمان ملل این خواست را هم نپذیرفت. پناهجویان خشمگین با ادامه تجمع خود

Account inhaber: Hambastegi

فاکس یوان 0090 312 438 2702

Account nr: 8024500

Bank: BankFur Sozialwirtschaft Köln

BLZ: 37020500

ادامه:

من حق دارم اقامت بگیرم چون یک زن هستم!

اعمال شنیع و ضد بشری جمهوری اسلامی فعالانه مبارزه می کنند و تمام تلاششان برابری کامل زن و مرد و ایجاد یک دنیای انسانی و بهتر است. من به این اعتقادم که نفس زن بودن من در جامعه ایی مثل ایران دلیلی کافی و قوی برای برخورداری از حق اقامت است.

سراسری پناهندگان ایرانی آشنا شدم. تقریباً تمام اعتقادات خودم را منطبق بر افکار مبارزاتی آنان یافتم و حال خوشحال هستم که خودم را در جمع انسانهایی می بینم که بر علیه زن ستیزی و تمامی

که اینهمه زندان و سرکوب و شکنجه لازم نبود! از آن لحظه دانستم که در همین جامعه هم بایستی برای حقوق زن به عنوان انسانی برابر مبارزه کنم و در پی تلاشم برای این امر هم با فدراسیون

از سایت همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان دیدن کنید

www.hambastegi.org

جدیدترین اطلاعاتی های فدراسیون، جدیدترین شماره نشریه همبستگی، آخرین اخبار و رویدادهای پناهندگی و مقالات متنوع دیگر را میتوانید مطالعه کنید.

چرا من سیاه کار میکنم!

جواد تجریشی راد

من و امثال من مجبور به تن دادن به کار سیاه میشویم، چون خیلی قبلتر بی حقوق و زندگیمان را سیاه کرده اند. کار سیاه کاری بدون بیمه، بدون تأمین اجتماعی و بدون حق اعتراض است. خیلی وقتها پولم را صاحبکاران خورده اند، من حتی نتوانستم اعتراض کنم. دستم به جایی بند نیست، اگر اعتراض میکردم بازنده اصلی من بودم. کار سیاه خودش یک دلیل محکومیت این سیستمی هست که کار قانونی اش هم استثمار مطلق است چه رسد به استثمار پنهان و به اصطلاح غیر قانونی. اصلاً قانونشان را هم برای سرپا نگه داشتن بهشت خودشان نوشته اند.

نه من و نه هیچ انسانی حاضر نیست داوطلبانه در چنین شرایطی کار کند و استثمار شود. مقصر اصلی کسانی هستند که این تنها راه را جلو پای مردم برای در آوردن یک لقمه نان میگذارند. بازار کار سیاه را خودشان و شرکتهای بزرگ سرمایه گذاری اداره میکنند. کار سیاه کاری غیر انسانی و بی حقوق است ●

آنها پول قاچاقچی را پرداخت کردم بدهکارم. خرج عمل قلب مادرم را در سال گذشته با حقوق نزدیک به ۴ ماه خودم دادم و خودم با خوردن نان خشک و باقیمانده غذاهای مک دونالد گذران کردم.

جامعه هیچ راهی و آینده ای پیش پای من نمیگذارد، همه درها بسته است، خودشان راه حل کار ارزان و پست و سیاه را برای گذران زندگی جلو پای آدم میگذارند. به من میگفتند کارگر سیاه چون در یک فرش فروشی ایرانی کار میکردم و پولم را بدون کسر مالیات کف دستم میگذاشتند، سهم من ساعتی ۸ مارک برای ورق زدن فرش که کاری بسیار سنگین بود و سهم تجار محترم و سفید کار، ارقام نجومی سود و بهره که خود دولت هزار راه قانونی پیش پایشان گذاشته چطور مالیات ندهند و یا کمتر بدهند.

کارهای سیاهی که من میکنم کار نیست بردگی است، از کار در رستورانها بگیر تا نظافت و کار در رشته خدمات و فرودگاه و غیره. بازار کار سیاه بازاری است بغل دست بازار رسمی کار و تکمیل کننده آن.

برگردانی. من که به این دزدی در روز روشن میگوم. مدتی همینطوری با رفتارهای غیر انسانی اداره سوسیال که گویا ما عده ایی تن پرور هستیم که میخواهیم بخوریم و بخوابیم و فقط پول سوسیال بگیریم سر کردم و خشم خودم را فرو خوردم. کسی نیست به این مردم بگوید که مفتخورهای واقعی این جامعه، تن پرورهای اصلی که اصلاً احتیاجی به کمک اجتماعی ندارند، پولشان از پارو بالا میروند.

پس از مدتی سرگردانی و جستجو از کارهایی اطلاع پیدا کردم که ما به آن سیاه میگوییم و واقعاً هم از جنبه بی حقوقی کارگران سیاه هم هست. سیاه بودنش و غیر قانونی بودنش علیرغم تبلیغاتی که علیه ما صورت میگیرد این نیست که پولها را یواشکی پارو میکنیم و مالیات نمیدهیم بلکه به نظر من سیاه بودنش به خاطر ارزان بودن و خاموش بودن کار ما کارگران با دستمزدهای سیاه است.

من مجبورم به این کار بپردازم، هیچ راه دیگری پیش پای من نیست، من هنوز هم به دوستانم در تهران که با قرض کردن از

از کجایش شروع کنم، زبان بلد نبودم و از سوی دولت هم به من علیرغم قبولیم کوچکترین امکانی برای یادگیری زبان تعلق نمیگرفت. در بازار کاری که زبان هم بلد باشی به دلیل خارجی بودن در ته لیست واجدین شرایط سازمان کار آلمان هستی من هیچ شانسی نداشتم. من میرفتم که داوطلبانه نیروی کارم را باور کنید به هر قیمتی که میدادند بفروشم و کسی را پیدا نمیکردم.

طوری این بازار کار را سرهم کرده اند که تنها عده بسیار محدودی شانس پذیرفته شدن در آن را دارند. تازه وقتی کاری پیدا کنی تو که مجرد هستی باید نزدیک به نصف دستمزدت را بابت بیمه و مالیات و حق کلیسا و هزار کلک دیگر دوباره به خودشان

من جوانی بیست و هفت ساله هستم. مدت ۶ سال است که در آلمان زندگی میکنم. بعد از ۴ سال که بلا تکلیف بودم و در مصاحبه پذیرش پناهندگی رد شده بودم، پس از اعتراضات زیاد و کمک بی دریغ همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان موفق شدم اقامت بگیرم. تازه بعد از اینکه اقامت گرفتم، مشکلات دیگری جلو من سبز شد.

هر ماه چند ورقه از طرف اداره سوسیال به من داده میشد که خودم ببرم و امضا جمع کنم که من جویای کار بوده و مثلاً شرکتها و کارخانجاتی که من به نزد آنها رفته بودم مرا نپذیرفته اند و برایم پای این ورقه ها امضا زده اند. بازار کار برای من مثل سرزمینی است که نمیدانستم

دبیرخانه مرکزی

مریم نمازی دبیر فدراسیون
فرشاد حسینی معاون دبیر و مشاور مسائل پناهندگی
کیوان جاوید سردبیر نشریه همبستگی
سیامک امجدی مسئول سایت در اینترنت
رامین نیاکان مسئول فاکسهای حمایتی
نسرین رمضانعلی مسئول تشکیلات
لادن داور مسئول مالی
حبیب نضوحی دستیار مالی

مهرنوش موسوی سردبیر همبستگی هفتگی و

تهیه کننده و مجری صدای همبستگی
امیر توکلی مسئول روابط عمومی و دستیار
همبستگی هفتگی

جمال کمانگر مسئول کشورهای هم مرز
جواد اصلانی دستیار سردبیر همبستگی انگلیسی و
ماهنامه حقوق مدنی در ایران
نیاز قانلی مسئول تبلیغات

تلفن: 00 447730107337

فکس: 00 448701294167

ifir@ukonline.co.uk

آدرس: P.O.Box 27236 - London - N11
2ZF - England

ادامه:

من حق دارم اقامت بگیرم چون یک زن هستم!

هم فرهنگ فاشیسم بر این کشور حاکم بود ایآ آلمانی های شرافتمند بایستی به آن احترام می گذاشتند. بنظر من انسانها حتی اگر عقاید نادرست داشته باشند قابل احترام هستند ولی عقاید فاشیستی و ضد انسانی اصلاً قابل احترام نیستند. این فرهنگ دولت است نه فرهنگ مردم، اگر همه دلبخواه مسلمان بودند صفحه ۳

در بعضی موارد مردان حق انتخاب و تعیین لباس خود را ندارند. در اسلام کودکان دختر را از سن ۹ سالگی قابل ازدواج با مردان ۶۰ سال میدانند و غیره.

در مقابل مامور مصاحبه خیلی ساده جواب داد این فرهنگ خودتان است و باید به آن احترام می گذاشتید گفتم زمانی

تمام انسانها مخصوصاً زنان است، مظهر جهل و خرافات، مظهر کشتار قانونی زنان بشکل سنگسار، مظهر تجاوز جنسی به زنان بصورت صیغه و ازدواج اجباری است و از سنین کودکی است، مظهر حجاب اجباری است، در اسلام زن بودن برابر با مجرم بودن است، در اسلام زنان و حتی

به فدراسیون سراسری پناهندگان بپیوندید!